

جایگاه فردوسی در جان و دل ایرانیان



فردوسی در همه ادوار تاریخی و حکومت‌های پادشاهی ایران از سامانیان به بعد مورد احترام و اعزاز بوده و شاهنامه‌اش به زیباترین و دل‌انگیزترین خطاطی‌ها و تذهیب‌ها و تجلیدها و تصحیف‌ها نگاشته شده و مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته. امتیاز فردوسی بر دیگر شاعران ایران‌زمین وجه فارسی‌گرایی و سرپردازی اوست.

نقالي هنري جذاب و برآمده از شاهنامه است

جایگاه فردوسی در جان و دل ایرانیان

جام جم آنلاین: فردوسی در همه ادوار تاریخی و حکومت‌های پادشاهی ایران از سامانیان به بعد مورد احترام و اعزاز بوده و شاهنامه‌اش به زیباترین و دل‌انگیزترین خطاطی‌ها و تذهیب‌ها و تجلیدها و تصحیف‌ها نگاشته شده و مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته. امتیاز فردوسی بر دیگر شاعران ایران‌زمین وجه فارسی‌گرایی و سرپردازی اوست. او نماینده راستین زبان و ادب پارسی است. طبعاً هرگونه ادای احترام به او در سراسر جهان مساوی با ارج‌گزاری به زبان و فرهنگ ایرانی و فارسی است. حتی حکمرانان بی‌فرهنگ مغول پس از مدتی کوتاه و بعد از آشنایی با زبان و خط فارسی، شاهنامه‌های نفیس و فاخری تهیه کردند مثل شاهنامه معروف بایسنقری که خوشبختانه بارها تجدید طبع شده و اینک اگر به کتابخانه‌های بزرگ جهان یا به فهرست کتاب‌های خطی آنها مراجعه شود نسخ متعدد و بسیار ارزشمندی از شاهنامه دیده خواهد شد.

سال 1313 شمسی باتوجه به این‌که بنا به نظر مورخین و فردوسی‌شناسان تولد او بین سال‌های 313 تا 319 بوده سال 313 را اصح احتمالات دانسته و بر همین مبنا جشن بزرگ هزاره تولد فردوسی در طوس و تهران با حضور بزرگ‌ترین دانشمندان، ادیبان، فردوسی‌شناسان و شاهنامه‌پژوهان جلیل‌القدر خارجی و داخلی با احترام و شکوه برگزار شد.

محمدعلی فروغی، سید حسن تقی‌زاده، علی‌اصغر حکمت، محمدتقی بهار، علی‌اکبر سیاسی، احمد بهمنیار کرمانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، رضازاده شفق، حبیب یغمایی، ابراهیم پورداود، مجتبی مینوی، عبدالحسین هژیر و ... از ادیبان ایرانی و یان ریپکا، هانری ماسه فرانسوی، برتلس و پروفسور مار روس، هرتسفلد آلمانی از مستشرقان و ایران‌شناسان و فردوسی‌پژوهان مغرب‌زمین و نیز درینک واتر شاعر مشهور انگلیسی (که شعری از خود به زبان انگلیسی در ستایش فردوسی خواند) و دین شاه ایرانی (معلم زبان پهلوی صادق هدایت) از پارسیان دانشمند هندی، جمیل صدیقی الزهاوی شاعر کرد عراقی، استاد عبدالوهاب العزام ادیب مصری، خواجه عبدالحمید عرفانی پاکستانی و ... از ادبای شرقی در این جشن شرکت کرده و منظومه و خطابه‌های ارزشمندی ارائه نمودند.

محمدتقی بهار کتاب «حیات فردوسی؛ خود را که سال 1312 ش. یعنی در آخرین سال تبعید خود به اصفهان نوشته و به طبع رسانده بود در این جشن به حاضران عرضه کرده و چکامه گرایی فاخر بی‌بدیل خود یعنی «آفرین فردوسی؛ را قرائت نمود.

مجتبی مینوی در همین کنگره به همراه علی‌اصغر گرمسیری یکی از نماینده‌های برگرفته از شاهنامه یعنی «رستم و سهراب؛ را بخوبی اجرا کرده و روی صحنه آورد.

قبل از تشکیل این کنگره، وزارت کشور به شهرداری تهران دستور داد یک خیابان آبرومند و عریض در تهران به نام فردوسی نامگذاری شود. خیابان علاءالدوله سابق که از میدان توپخانه تا میدان فردوسی فعلی ادامه داشت به نام «فردوسی؛ نامگذاری شد.

مجسمه نشسته‌ای از آن شاعر بزرگ نیز، که در هندوستان تهیه شده و توسط پارسیان هند به ایران تقدیم شده بود در میدان فردوسی نصب گردید که چند سال بعد با مجسمه ایستاده گویاتر و آبرومندتری که مرحوم ابوالحسن صدیقی مجسمه‌ساز توانا و مشهور به همین مناسبت از فردوسی ساخته بود تعویض شد و تندیس قبلی اینک سال‌هاست که روبه‌روی در ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نصب شده و اشعاری از فردوسی نیز که روی پایه آن حک شده با خطی خوش و خوانا هر روز در معرض دید دانشجویان و استادان و مراجعان دیگر قرار دارد.

امتیاز فردوسی بر دیگر شاعران ایران‌زمین وجه فارسی‌گرایی و سرپردازی اوست. او نماینده راستین زبان و ادب پارسی است.

طبعاً هرگونه ادای احترام به او در سراسر جهان مساوی با ارج‌گزاری به زبان و فرهنگ ایرانی و فارسی است.

جشن هزاره دیگری هم با تقویم و محاسبه دیگر سال 1369 برای فردوسی چند سال بعد برگزار شد که آن هم تلاشی پسندیده بود برای تکریم و احترام این شخصیت والای تکرارنشده و کوشش برای نمایاندن گوشه‌هایی از زندگی وسیع‌تر و اندیشه گرانبار او.

در این گردهمایی هم گروه پرشماری از ادیبان، شاعران، فردوسی‌پژوهان و شاهنامه‌شناسان ایرانی و خارجی خطابه‌ها و مقالات مفصل مستند ارائه نمودند و یک مراسم جنبی متفاوتی نیز در تهران و طوس اجرا شد.

سال 1354 شمسی در ایران به جهت بزرگداشت فردوسی بنای یک جشن بزرگ سالانه به عنوان «#171 جشنواره طوس»؛ گذاشته شد و سه سال دوام آورد که در شهر طوس و کنار آرامگاه آن حکیم و شاعر بزرگ برگزار می‌شد.

در این جشنواره علاوه بر ارائه و ایراد سخنرانی‌های پژوهشی راجع به فردوسی و شاهنامه مراسم حماسی ملی چون آیین‌های زورخانه‌ای، نقالی، موسیقی محلی و رزمی، تئاترهای برگرفته از حکایات شاهنامه، نگارگری و نقاشی‌های مجلسی و قهوه‌خانه‌ای و... ارائه می‌شد.

نقالی از هنرهای جذاب برآمده از شاهنامه فردوسی است که سابقه‌ای تاریخی دارد و تقریباً در همه شهرها و روستاها و عشایر و طوایف ایران به انحای مختلف اجرا شده و می‌شود که عمدتاً در قهوه‌خانه‌ها و با استفاده از امکانات دراماتیک و صدای خوش شخص نقال صورت می‌گیرد. در جشنواره حماسی طوس نیز یکی از نموده‌های ارجمند برخاسته از شاهنامه یعنی نقالی جایگاه خاصی داشت.

قبل از آن هم سال 1350 در تهران به مدت یک هفته «#171 گروه نقالان تهران»؛ برنامه‌های نقالی خوب و جذابی را اجرا کردند و نقالان خوش‌صدا و پراحساس چون، اسداله ظهیریه، سیدحسن خوش‌ضمیر، محبوب علی‌شاه و ولی‌اله ترابی نقل‌های دلنشینی را از بیژن و منیژه و طومار حاج حسین بابا اجرا کردند که می‌دانیم این طومار و طومارهای دیگر نقل‌های تغییر یافته از داستان‌های شاهنامه و اسکندرنامه را در بر می‌گیرند و معمولاً مورد استفاده نقالان قرار گرفته‌اند.

تابلوهای نقاشی معروف به قهوه‌خانه‌ای هم که در برگزیده مناظری از نبرد رستم با افراسیاب و اسفندیار است و صحنه غم‌انگیز کشته شدن سهراب به دست پدر و ده‌ها صحنه دیگر توسط نقاشانی چون قولر آقاسی‌ها (پدر و پسر) محمد مدبر و نقاشان دیگر همیشه پیوند قلبی مردم با شاهنامه را روایت کرده‌اند.

چه بسا از خانه‌ها، زورخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، گرمابه‌ها و به طور کلی بسیاری از اماکن خصوصی و عمومی بر سر درها و ایوان‌ها و... نقوش دلربایی از داستان‌های شاهنامه از جمله رستم و سهراب، بیژن و منیژه و ... روی کاشی‌ها نقش بسته، تاثیر شاهنامه بر همه هنرهای ایران زمین از موسیقی و تئاتر و نقاشی و مجسمه‌سازی و... کاملاً آشکار است و در قرن اخیر سینما را هم از خود متاثر کرد.

در پایان شایسته است از «#171 بنیاد شاهنامه فردوسی»؛ نام ببرم که اواخر دهه 1340 تاسیس شد و وظیفه‌اش پژوهش در مسائل متعدد و مختلف شاهنامه فردوسی بود و جمعی از شاهنامه‌پژوهان و فردوسی‌شناسان طی سال‌های متمادی در تهران زیر نظر استاد فقید مجتبی مینوی و پس از او دکتر محمد امین ریاحی به انجام وظیفه مشغول بودند و ده‌ها اثر منقح و مدون از شاهنامه و پژوهش‌های مربوط به آن را تهیه، چاپ و منتشر کردند و خوب به یاد دارم که یکی از همکاران این بنیاد مهدی اخوان‌ثالث شاعر نامدار بزرگ نوپرداز معاصر بود.

سید محمود سجادی - جام جم